

قیمت: قبلاً حساب شده:

شرکت توزیع برق خراسان رضوی:

قطع برق بیش از ۴۵۰ اداره
و بانک پرمصرف در استان



کارتون: محمد علی رحیمی

جوانان ناکام
از دریافت وام

میشه ایچور بره؟! / صفحه ۲

خاطرات سفر خانوادگی
یک مسئول

گیر کن! / صفحه ۴

مرسی که
هستین!

کلیک / صفحه ۸

اسمش بده ولی درآمدش خوبه!

● شوهر قشنگم! پس فردا عروسی دختر خالمه، یکی دو میلیون پول از تو کیفیت برمی دارم، می خوام برم آرایشگاه و مزون. یه کم به سر و وضعم برسیم که آبروم جلو فامیل نره.

● چکاره؟! چقدر؟! یک دو میلیون؟! از تو کیف لَحه مو؟! بی اشکل فکر کردی شووَرِت ایلان ماکس ریئیس کارخنه تسلا ی یا ب. ز ریئیس آینده کارخنه سایپای که ایقذر پول تو خلیطش جیب تئبونش پشه؟! ● مگه گفتم یکی دو میلیون دلار؟! منظورم تومنه! میلیون که دیگه الان پول خرده، تا سرکوپه بری یکم خنزر پنزر بخری کم کم چهار پنج میلیون در می آد.

● تیره مگر سر میلان شونزلیزه پاریس مخی پری خرید که او قذر پشه؟ مو کله صُب از خنه مژنم بیرون، آخر شب ورمگردم، هم نصد هزار تومن کار نمکنم، بعد تو مگی چند میلون تو کیفم پول پشه؟ ● خب به من چه که تویی عرضه ای و یک صدم یک گدای سر چهارراه هم درآمد نداری!

● انا! پخمه مور با او گدای چلغوز یکی مکنی؟! ● نه عزیزم معلومه که شما دوتا قابل مقایسه نیستین! گدا خیلی از تو سر تره! مگه نشنیدی که اخبار گفت: «شناسایی یک متکدی با ۶۹ میلیون تومان پول نقد در مشهد»! معاون اجتماعی شهرداری مشهد گفته یک گدا که سمت خیابون شیرازی گدایی می کرده رو شناسایی کردن، بعد که گرفتنش ۶۹ میلیون تومن پول نقد که از صبح کار کرده تو جیبش بوده، اگه نمی گرفتنش تا آخر شب راحت ۱۰۰ میلیون رو کاسب بود، بعد اون وقت توی بی مصرف یک میلیون هم نمی تونی دریاری!

● ها زن حرفت مقبوله، حالا که ایچور رفت و خه او سربایی لَحه های او عرقگیر تئبون ناشور بیار بژم گنم بژم سر چاراما گدایی که تا هم شب پتئم پول لباس آرایشگاهی تو در بیژم. ای گدایییم فقط اسمش بده ولی درآمدش خوبه!

صفحه ۲
۰۳ خرداد ۱۴۰۴
شماره ۱۴۰

مشه ایچور بده؟! خسرو آبادیان

جوانان ناکام از دریافت وام



اردیبهشت ۱۴۰۴: اعلام شد یک میلیون و صدهزار نفر در صف وام ازدواج و فرزندآوری هستند.

مرداد ۱۴۰۴: بانک مرکزی اعلام کرد چون منابع برای وام نداریم و پرداخت وام ها خیلی خیلی زمان بر است، در حال طراحی طرحی به منظور رفاه حال زوج های جوان هستیم که وقتی ضامن وام ازدواج آوردند، ضامن یک امضا هم زیر برگه ضمانت وام فرزندآوری بزند تا اگر دادن وام ازدواج تا تولد فرزند طول کشید هر دو وام را با هم دریافت کنند.

شهریور ۱۴۰۴: بانک مرکزی اعلام کرد اگر چه منابع وام ازدواج و فرزندآوری هنوز تأمین نشده است ولی ابربد هکاران نگران نباشند. آن ها اگر می خواهند باز هم وام بگیرند ولی این بار هم پس ندهند، منتظر قدم سبزشان هستیم.

اسفند ۱۴۰۵: یکی از مدیران بانکی گفت: خوشبختانه طول صف وام ازدواج خیلی کم شده است. وی در پاسخ به این سؤال که مگر چقدر وام ازدواج دادید که صف کوچک تر شد گفت: راستشو بخوای هیچی وام ازدواج ندادیم ولی این قدر پروسه طول کشید که خیلی از این زوج ها از هم جدا شدند و ازدواجشان منتفی شد.

اسفند ۱۴۴۵: یکی از متقاضیان وام ازدواج گفت: من سال ۱۴۰۴ برای وام ثبت نام کردم. امروز که خواستند وام بدهند به علت کپولت سن دستام لرزش داشت و نشد مثل سال ۱۴۰۴ امضا کنم. به من گفتند به خاطر ناهمخوانی امضا با امضای قبل، وام به شما تعلق نمی گیرد. ولی با مساعدت کارمندان بانک اجازه دادند دوباره بروم ته صف بایستم تا نوبتم شود.

کنج تو کنج منصوره احمدی

نشست خبری دبیر هیئت عالی گزینش کل کشور



جناب رئیس اون طرفن بنده
چای آوردم خدمتتون، بفرمایین

این دفعه که گذشت ولی قریوتون یک هزارم اون آزمون ها و سواسی رو که درگزینش کارمندان بانک و آتش نشان ها به خرج می دین تو انتخاب وزرا هم به کار می بردین ما این طوری تو تاریکی مجبور نمی شدیم نشست خبری بذاریم جناب رئیس

حضور رئیس بانک مرکزی در صحن علنی مجلس شورای اسلامی



انگشت که معلومه جوابگو
نیست دکتر، ما معمولاً از متر
خیاطی استفاده می کنیم!

هرچی انگشتمو می دارم رو صفرهاش
باز خونده نمی شه این قده صفر داره.
وزدانا حذف چهار تا صفر کار مارو راه
نمی ندازه رفقا

دستگیری ۲۳۰ سارق و مالخرد در تهران



۱ خداوکیلی من پیشمونم
هارهارهارها!

آره بابا معلومه، ما همه پیشمونیم، نیشتو
ببند یه دقه داره عکس می گیره، بچه ها
مطمئنن همین که افتادیم زندان می تونیم
سایبا رو بخریم و بزیم تو کار رمز ارز؟

اهدای جایزه و نشان علامه طباطبایی به بیست دانشمند برجسته کشور



مطمئنن لای اینا یه دانشمندی، کارشناسی چیزی پیدا نمی شه برای مشکل
کم آبی یه کلی به سر بگیریم سیمانی؟ آخ آخ گفتم سیمانی یادگرونی
سیمان افتادم، فامیلی قحط بود این چه نام خانوادگی ایه تو داری پسر؟

سیمایی هستم قربان، سیمایی! شما ادامه
فامیلیم رو صدا کتین راحت تره «صراف»

بدتر شد! صراف؟
الان یاد دلار و صرفی میفته!

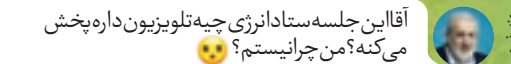
رفاه مصنوعی

خدمت ما برسان سرو و گل و ریحان را
هر که را خوابگاه آخر مشتی خاک است
گو چه حاجت که به افلاک کشی ایوان را
برواز خانه گردون به در و نان مطلب
کآن سبه کاسه در آخر بکشد مهمان را

گویا جناب لسان غیب از طرف هیئت دولت دارن گل فرمایش می‌کنند! در بیت اول می‌فرماید ای صبا، یعنی ای صدا و سیمای ملی وقتی داری برای مردم به‌ویژه جوانان حرف می‌زنی از طرف ما بگو الان فصل بهاره چرانشستین تو خونه و مصرف برق رو بالا می‌بری؟ برید دشتی، کوهی چهارتا گل و سرو و ریحان می‌بینی، دل تون باز می‌شه برق هم مصرف نمی‌کنین، فشار روی دولت کمتر می‌شه! در بیت بعدی می‌فرماید همه ما یه روزی می‌میریم! مگه قدیم کولر پنکه بود؟! همین بادبزنی کافی بود! حالا هی شما ساختمان‌های بزرگ و شیک بسازین و انواع کولر، چیلر، اسپلیت و... نصب کنین برای رفاه مصنوعی! تهش که همه می‌میریم! در بیت آخر هم همه توصیه‌هاشونو یه جا مجدد تذکر می‌دن که تو خونه نمونین، برید کوه و دشت و جنگل که خنک باشه و برق مصرف نکنین! نان هم وضعیت خوبی نداره زیاد نخورین... به استاندار هر استان گفتیم خودش قیمت نان رو مشخص کنه! اون قدر دنبال نان، آب، برق و... نباشین. همه تو این دنیا مهمانیم و سرانجام یه روزی عمرمان تمام می‌شود.



بیشکبان: قدیم در دمای ۳۵ درجه کولر و یکنه نمود و مشکلی هم نداشتیم



عہ ما کہ پیام برات فرستادیم. نرسید بہت؟

نه بابا، روگوشی م چیزی نیومده.

گوشی چیه؟! پستچی نامه آورده.

خب چرا پیامک ندادین؟

عه مگه قدیم که پیامک نبود ماچی کار می کردیم؟
همین جوری ارتباط می گرفتیم دیگه.

باباخب خونه نبودم نامه رو بگیرم اصلا.

بین دیگہ داری بھونہ می آری علی آبادی جان. مگہ
من خودم صبحی قبل جلسہ با سنگ نزد م بہ پنجرہ
کہ بیایی؟

چرا سنگ آخه؟ زنگ آیفون رومی زدی مرد حسابی
لابد به شیشه اتاق خواب بچه ها سنگ زدی من نشنیدم

رئیس جمہور گفت قدیم آیفون نبوده ماباسنگ به ہم
خبر می دادیم، منم همین کارو کردم.

حالا خودت رو ناراحت نکن عزیزم. نهایت هم می‌اومدی دو تا محاسبه اشتباه می‌کردی برق بیشتر قطع می‌شد دیگه. غیر از اینه؟

آقای رئیس جمهور این جلسه ستاد اقتصادی هم شروع شده. شمانمی آین؟

بذار تو را هم. دو چرخه ام زنجیر انداخته الان درستش کنم می رسم.

حتمال این هم چون قدیم ماشین نبوده، داری با دو چرخه می‌ای

آفرین قریونت بشم. امروز باد بزن هم آوردم که قدیم کولر نبود دیگه کولر هم استفاده نکنیم. 🚗

خدا به دادمون برسه. یه کم دیگه بره عقب تو جلسات هیئت دولت چوب فلک می آره.

پاکت‌هایی گران‌تر از پاکت پول



قانع‌کننده‌ترین دلیل هفته: اعلام شد چون موز سه مدل قندگلوکزو فروکتوزو ساکاروز دارد، برای دندان ضرر دارد. با این حساب از امروز دیگر به جای اینکه روزی دو سه کیلو موز بخرد، آناناس و انبه بخرد. چون دانشمندان درباره ضررشان هنوز چیزی نگفته‌اند.

گران ترین پاکت هفته: هر پاکت
سیمان این روزها حدود ۳۵۰ هزار
تومان است، هشت ماه پیش
هفتاد هزار تومان بود. یادم آمد
دو سال پیش یک کارشناس
ساختمان می گفت: چون سیمان
۲۵ هزار تومان شده، سازنفرش ها
خانه های خیلی بی کیفیت تری
دارند می سازند! خلاصه امیدواریم
هیچ کدام از گسل های کشور فعال
نشوند.

تمشکی ترین پلخمون هفته :
می رسد به جواب وزیر نیرو به سؤال خبرنگاری که پرسید تاکی قطعی برق داریم؟ وزیر نیرو هم در جواب گفتند پارسال و ۱۴۰۲ هم قطعی برق داشتیم. جواب بهتر این بود: سال ۱۳۰۲ که اصلا برق نداشتیم.

مخفی ترین ثروتمند هفته: مسئولان
شهرداری مشهد اعلام کردند که یک متکدی در محدوده خیابان شیرازی را که ۶۹ میلیون تومان پول نقد داشته است برای سامان دهی به خانه سبز منتقل کردند. به نظر ما، شخصی که در لحظه ۶۹ میلیون تومان نقد همراهش باشد، خودش تهرایی می تواند سامان دهنده زندگی هر کدام از ما باشد، نه اینکه نیاز به سامان دهی داشته باشد.



برق شبكه ۲۰ هكتار پخش زنده برنام
در اتفاق عجيب قطع شد

گرچه دارد برق رفتن ها ضرر
گرچه از صنعت درآورده پدر
این یکی اما به سود مردم است
برق سپما را بیا کلابر!

۱۶. از مصرف برق کشور در طول روز
صرفی کمتر شدن خواهد شد!

قطعی برق شما یا اینکه من
نیست تقصیر مدیران وطن
هست خاموشی دلیلش ماینر
بعد آن هم مصرف فیلترشکن!

نمایندہ مجلس: امروز ما یہاں ہوش
مہم ہونے کی ضرورت کی کہ قانون مہم پر
ہوش پیدا ہو جائے اور ان کے لیے ہر اس بات

پرانده مهریه هوش از سر او
بترسد از عروسی مثل لولو!
ز بس که نرخ سکه رفته بالا
دیگه پیدا نمی شه هیچ جا شو

قطعه‌ها زمان برق‌و‌گاز صنعت سیمان

شده کار تو قطعی، کل هفته
اگرچه ادعایت، پیشرفته
گرفتی برق و گاز از بخش تولید
گمانم آب از یاد تو رفته!

خاطرات سفر خانواری یک مسئول

هستیم و زشت است کنار ساحل، خدای ناکرده با پوشش نامناسب دیده شویم. ناراحت بود که همه مدیران به سفرهای خارجی و قطب و استوای روند. بعد ما باید عید را در همین کشور بگذرانیم. گفتم که بقیه ممکن است اختلاس هم بکنند، ولی من به عنوان یک مسئول پاکدست و ساده زیست باید نمونه باشم و تمام تلاشم این است که بودجه دولت را هدر ندهم.

چهارشنبه

ترس از آب

به سلامتی عازم شدیم. از همین اول کارت را به پری دادم تا با خیال راحت خرج کند. البته که کارت شخصی است. بعدا باید صورت حسابش را به حسابداری بدهم تا در فیش ماه آینده ام به عنوان خرج مأموریت واریز کنند. بچه ها خیلی اصرار به بازی های آبی دارند. خودم از آب خوشم نمی آید. اصلا اهل استخر، حوض، دریا و این ها نیستم. می ترسم.

پنجشنبه

درجه کمتر

ما در همه جا باید حواسمان به مصرف انرژی و ناترازی ها باشد. دیدم در سالن غذاخوری هتل چند کولر روشن است. بعد از اینکه ناهار را خوردیم به مدیر هتل گفتم نصف آن ها را خاموش کند تا اسراف نشود. بقیه مسافران هم کم کم به گرماعادت می کنند. خودمان هم وقتی از اتاق ها خارج می شویم تا بیرون برویم، کولر را دو درجه کمتر روشن می گذاریم، برای حمایت از آن پوشش دو درجه کمتر.

جمعه

چیزساره

چقدر همه چیزگران شده. واقعا عذاب وجدان دارم هروقت کارت می کشیم. این ها بودجه دولت است و باید هر ریال و همتش به دقت خرج و حسابرسی شود. برای همین شام ها که روی سرویس هتل نیست، یک چیز ساده می خوریم. سوخاری ای، لازانیایی، پیتزایی، چیزی.

شنبه

فیش بعدی

سفر خیلی خوبی بود، خوش گذشت. حسابی تازه سازی شدم. حاجی زنگ زد که جریان انتشار بلیت و صورت حساب هتل توسط رسانه ها چیست؟ برایش توضیح دادم که همه را خودم پرداخت کرده ام. خیلی تشکر کرد و گفت نامه اش را بزمن که حتما در فیش بعدی ام لحاظ شود.



شنبه

تازه سازی خانواری

بالاخره بلیت ها اوکی شد برای آخر هفته. یک هتل معمولی فولبرد با تمام امکانات یو آل. با اینکه آخر سالی خیلی کار داشتیم ولی بچه ها اصرار کردند. خودم هم به شدت خسته شده بودم و نیاز به رفرش شدن داشتم. حالا باز فردا فرهنگستان نامه می زند که چرا از کلمه خارجی استفاده کرده ام. نیاز به تازه سازی داشتم.

یکشنبه

جای خالی باجناق

دیدم پری خیلی توی خودش است. گفتم شاید استرس سفر را دارد. سر شام جریان را پرسیدم. اول که چیزی نگفت. بعد از زیر زبانش کشیدم گفت در مدت سفر، دلش برای خواهر و خواهرزاده هایش تنگ می شود. این زن هم رگ خواب من را فهمیده. به منشی گفتم

برای خواهر و بچه هاش هم بلیت بگیرند و هتل رزرو کنند. با جناقم کار داشت و نمی توانست بیاید.

روشنه

ترانسفر بیت المال

منشی پرسید فاکتور بلیت ها را به اسم کی ثبت کند؟ گفتم خودم، ولی حتما قید کند که مأموریت کاری است. به هرحال برای تازه سازی و خستگی ناشی از مسئولیت دولتی، می خواهیم به سفر بروم. البته پول ترانسفر از فرودگاه تا هتل و انعام ها را خودم می دهم. به هرحال بیت المال است و مدیونی دارد.

سه شنبه

مرسی پاکست و ساره زیست

پری زنگ زد بپرسد لباس برایم چه بگذارد. گفتم لباس های معمولی بردارد. به هرحال ما آبروی سیستم

صفحه ۴
۳ خرداد ۱۴۰۴
شماره ۱۴۰



خلال فروشی
ممنوع!

اگر احساس کردید چیزی بین دندان هایتان گیر کرده، لطفا در ملأعام با درب نوشابه، دسته عینک یا سوئیچ ماشین نمایش راه نیندازید! در اولین جای خلوت، با ابزار استاندارد، عملیات نجات را انجام دهید.



دهان پر
زبان بسته

لطفا قبل از اظهار نظر، از خالی بودن دهان خود مطمئن باشید. شنیدن صدای شما لابه لای کوبیده نیم جویده، منظره جذابی نیست.

۵ فرمان (نافرمان!)

سر سفره

غذا خوردن، فقط رساندن غذا به دهان نیست. لذتی است که باید برای خودمان و دیگران رقم بزنیم. بیایید با هم نگاهی بیندازیم به چند «نه» مهم سر سفره که اگر رعایت نشود، مهمانی تبدیل به شکنجه جمعی می شود.



فرهنگ شهروندی
فرزانه زینلی

دوربین‌هایی برای نپیدن

جانشین پلیس راهور فراجا درباره دوربین‌های ثبت تخلف گفته حدود صد دوربین سالم در کل شهرهای کشور داریم و این جوابگو نیست. به همین بهانه با یک راننده متخلف در جاده گفت‌وگو کردیم.

پایه: شما چقدر به قوانین راهنمایی و رانندگی احترام می‌ذارین؟

● با سلام خدمت شما و همکاران عزیزتون. همچنین سلامی عرض می‌کنم خدمت خوانندگان خوب روزنامه. از همین جا عرض ادب می‌کنم خدمت...

پایه: دوست عزیز، وقت نداریم، زود جواب بده. هنوز باید چندتا جاده دیگه رو هم رصد کنیم.

● بله بله. من خیلی به قوانین راهنمایی و رانندگی احترام می‌گذارم.

پایه: پس چرا الان پلیس راه شما رو متوقف کرده؟

● راستش خودم هم اعتراض دارم. من از دیشب دارم رانندگی می‌کنم. خسته شده بودم، همسر یک لیوان چای ریخته بود. می‌خواستم اونو بخورم...

پایه: خب دوست عزیز خوردن و آشامیدن پشت فرمان

دوربین ثبت تخلف ما نشون می‌ده شما حداقل پانصد مورد تخلف داشتن.

پانصد تا؟ آقا این دوربین‌ها رو تعمیر می‌کنن نباید به ما بگین؟ نامحرمیم؟ ما رو خرابی شون حساب کردیم.

کارتون: شهرام شیرزادی



گرفتم سمت راست، ولی متأسفانه چون داشتم می‌سوختم حواسم نبود و خوردم به یه میله. الان هم نگه داشتم که خسارت ازم بگیرن. می‌گن زدی به دوربین ثبت تخلف.

پایه: تموم شد؟ خب خسارت زدن به اموال عمومی جریمه داره.

● داداش دوربینش خراب بود. خسارت چی رو بدم؟ تو تمام مسیر یک دوربین سالم نیست...

پایه: خب مخاطبان عزیز، می‌ریم سراغ راننده بعدی!

می‌دونن سبقت و سرعت غیرمجاز جزو خلاف‌های ناخوشودنی رانندگی است.

● می‌داری حرف بزنی؟ خواستم گازش رو بگیرم، که جاده پیچید. من هم پیچیدم و متأسفانه جای داغ ریخت روم. برای همین اومدم سمت راست...

پایه: دقیقا به نکته خوبی اشاره کردین، سبقت از راست و توقف در کنار جاده هم ممنوعه.

● شما چقدر عجولی. اجازه می‌دی کامل بگم چی شد یا برم؟

ماشین ممنوعه.

● من نخوردم، گوش بدین شما. لیوان چای رو گرفتم دستم، رسیدیم به دست انداز، اومدم ردش کنم، تا خواستم بگیرم سمت چپ...

پایه: راننده گرامی، انحراف به چپ هم ممنوعه.

● آقای محترم اجازه بده حرفم رو بزنی! می‌خواستم بگیرم سمت چپ ولی دیدم از روبه‌رو ماشین می‌آد. برای همین گازش رو گرفتم...

پایه: دیگه این رو که همه

راهنمای استفاده از قاشق و چنگال



قاشق، چنگال و چاقو اختراع شده که دست شما مستقیماً وارد ظرف عمومی غذا نشود؛ پس هر وقت با دست کوکو برمی‌دارید، بدانید چیزی در تمدن بشری در حال نابودی است!

تعارف بیجا مانع کسب است



شاعر می‌فرماید اندازه نگه دار که اندازه نکوست! حواستان به حجم غذای توی بشقاب مهمان باشد.



قاشق مثل مسواک شخصی است!

قاشقی که دهان شما را دیده، صلاحیت ورود به سالاد جمعی را ندارد!

فارج از برنامه خاموشی

وزارت نیرو
هشدار از انباشته شدن:

شراره‌های خورشید می‌تواند موجب قطع برق زمینی شود

یک بزرگ:
آنها می‌توانند:
حالت فوری
ما این را می‌دانیم که امسال
از حدود بیست بیمار جمع
کشف کردیم،
چهار برابر نیروگاه
بوشهر برق مصرف
می‌کرد

وزیر کشور:

اگر با همین آهنگ
جلو برویم جمعیت
کشور سال ۱۴۸۰
نصف می‌شود
پس می‌زنم آهنگ بعدی
که ریتش تدریجاً

۷۰ پیچ از معده یک بیمار
که فلجی در فوردن می‌چد برای دل می‌چد خوب است
خارج شد

پس از اینکه

ماهواره هندی در فضا گم شد
باید ماهواره دیگه که فهمید داداشه برگشت

معاون وزیر آموزش و پرورش:

مدرسه‌ای که شیشلیک می‌داد
در صورت دعوت از تاسویق
تولید شد
می‌شد

ایران خودرو

مدیر عامل:

یکی از مشکلات
کشور، استفاده مردم
خودرو
از پمپ‌های بنزین خارجی
در این کشور است

به دنبال کاهش

تفرقه‌های زیبایی

هزار و پوبوتا کسی
قبلاً در راه
خیابان‌های دنیا
ایران

در حاشیه صف میلیونی وام ازدواج



صفحه ۶
۳ خرداد ۱۴۰۴
شماره ۱۴۰

من به عنوان به کشاورز ساده زیست
چینی که نشستم به گوشه دارم نون و
ماست می‌خورم و کنج به زیرزمین تو
یکی از روستاهای شما، آروم رمزارزمو
استخراج می‌کنم هم اعتراض دارم، شما
ایرانی‌ها آگاه دو زار فرهنگ داشتن، به
جای کولر، بادبزن استفاده می‌کردین تا
هم برق امثال من قطع نشه، هم مجبور
نباشم بابت دق و دلی‌ای که دولت سرم
خالی می‌کنه، چهار میلیارد پول قبض
برق بدم، و ابودا (*معادل چینی والا)



چینگ چانگ
چونگ

فکر کردن با ۳۰ درصد گرونی شیر
ما!!!! راضی می‌شیم؟ اصلاح
قیمت فقط صد درصدی!
خدایی این قطعی برق طویله
خیلی رو مخه، برق می‌ره
آنتن‌های موبایل می‌پره، الان
نیم ساعته قسمت جدید
عشق ابدی اومده ما!!!! هنوز
که هنوز نمی‌دونیم بالاخره
دکتر پژمان، زهرا رو انتخاب
می‌کنه یا نگارو؟



گاو

در پی افزایش ۱۰۰ درصدی قیمت سیمان؛ محدودیت
۹۰ درصدی برق سیمانی‌ها برداشته شد. (جراید)
با ابلاغ وزارت جهاد کشاورزی قیمت شیر خام
۳۷،۸ درصد افزایش یافت. (جراید)



کفتون برید چطوری هم قیمت رو
دوبرابر کردم هم برقمون رو وصل؟
نه، جان ما حال کردین؟ همکاران
عزیز در سایر صنوف همین سناریو
رو برین بی‌برو برگرد جوابه.



قائم مقام
سیمان کاران مرکز



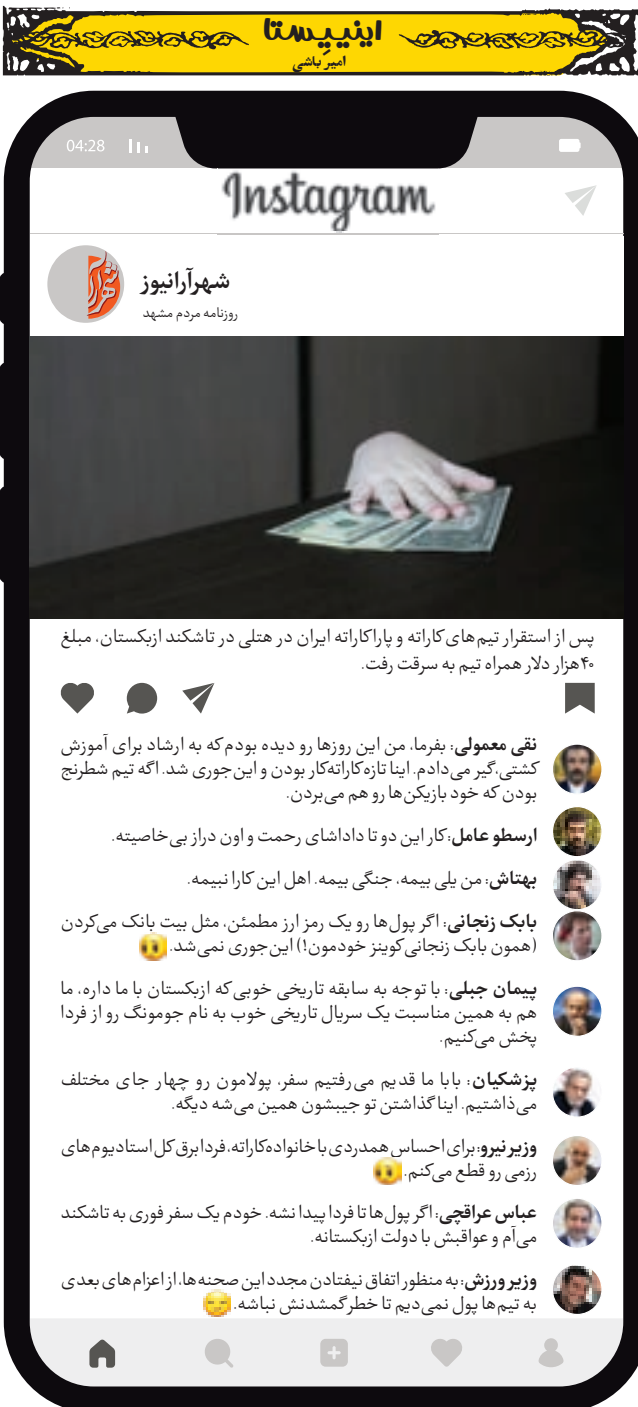
کباب نسوزه!



امروز چند تا کتابی که از نمایشگاه کتاب، آنلاین سفارش داده بودم، رسید. تخفیف خوبی خورده بود، چون به خاطر چاپ برخی صفحات سفید، وارد چرخه توزیع نشده بود! نشستم کنار دیوار و شروع کردم به خواندن همان محدود صفحاتی که محتوا داشت و سفید چاپ نشده بود. اتفاقا با وجود صفحات سفید، چون نمی فهمیدی منظور نویسنده چیست، کتاب، عمیق تر و فلسفی تر شده بود! پس احتمالا چاپ های بعدی اش پر فروش و باعث شود افراد بیشتری کتاب بخوانند و با جا ماندن از ترید به هیچ جا نرسند!

هم زمان کنار دیوار منتظر بودم مهمانان امشب همسایه ام بیایند و فالگوش بایستم ببینم درباره چی صحبت می کنند. مثل اینکه امشب مهمان های مهمی داشت؛ از بوی کباب های متنوعی که روی باریکیو گذاشته بود، مشخص بود. مهمانانش آمده اند. آن طور که شنیدم، شورای مشورتی غیررسمی شورای مشورتی رسمی شورای اصلی محتوای فرعی کتب درسی، سمت راست، بعد سمت چپ، سر دوراهی بودند! خب، تولید محتوای متنوع کتاب، انرژی می برد و کباب متنوع هم می طلبد!

نفر اول گفت: «امشب برای موضوع مهمی دور هم جمع شده ایم.» همه یک صدا گفتند: «بعله! کباب!» گفت: «به شما آی کیوها هم می شه گفت شورای کتاب؟! برای محتوای کتاب جمع شده ایم، حالا یه کبابی هم می زینم بر بدن! پیشنهاد شما برای محتوای کتب درسی چیه؟» یک صدا



پس از استقرار تیم های کاراته و پاراکاراته ایران در هتلی در تاشکند ازبکستان، مبلغ ۴۰ هزار دلار همراه تیم به سرقت رفت.



نقی معمولی: بفرما، من این روزها رو دیده بودم که به ارشاد برای آموزش کشتی گیر می دادم. اینا تازه کاراته کار بودن و این جوری شد. اگه تیم شطرنج بودن که خود بازیکن ها رو هم می بردن.

ارسطو عامل: کار این دو تا داداشای رحمت و اون دراز بی خاصیت.

بهتاش: من یلی بیمه، جنگی بیمه، اهل این کارا نیبمه.

بابک زنجانی: اگر پول ها رو یک رمز ارز مطمئن، مثل بیت بانک می کردن (همون بابک زنجانی کوینز خودمون!) این جوری نمی شد. 🙄

پیمان جیلی: با توجه به سابقه تاریخی خوبی که ازبکستان با ما داره، ما هم به همین مناسبت یک سریال تاریخی خوب به نام جومونگ روز از فردا پخش می کنیم.

پزشکیان: بابا ما قدیم می رفتیم سفر، پولامون رو چهار جای مختلف می داشتیم. اینا گذاشتن تو جیبشون همین می شه دیگه.

وزیر نیرو: برای احساس همدردی با خانواده کاراته، فردا برق کل استادیوم های رزمی رو قطع می کنم. 🙄

عباس عراقچی: اگر پول ها تا فردا پیدا نشه، خودم یک سفر فوری به تاشکند می آم و عواقیش با دولت ازبکستانه.

وزیر ورزش: به منظور اتفاق نیفتادن مجدد این صحنه ها، از اعزام های بعدی به تیم ها پول نمی دیم تا خطر گمشدنش نباشه. 🙄

صفحه ۷

۰۳ خرداد ۱۴۰۴

شماره ۱۴۰

ایجو، مگفتن

مهدی محمدی

مدیر عامل مخابرات:

یکی از مشکلات، استفاده مردم از پهنای باند خارجی اینترنت است که باید به سمت محتواسازی داخلی برویم.



رئیس خودروسازی:

یکی از مشکلات استفاده مردم از دنده چهار و پنج است که باید سمت دنده یک و دو برویم.

وزیر جهاد کشاورزی:

یکی از مشکلات استفاده مردم از گوشت گوسفندی در قرمه سبزی است که ما باید به سمت گوشت کله استرول می آره بده، آخه برویم.

وزیر بهداشت:

یکی از مشکلات استفاده مردم از فیزیوتراپی، برای خوب شدن است که ما باید به سمت خودت بمال برویم.

رئیس شرکت

آب و فاضلاب: یکی از مشکلات استفاده مردم از حمام برای تمیز شدن است که باید به سمت یک آب به سر و صورت زدن برویم.

رئیس سازمان غذا و دارو:

یکی از مشکلات استفاده استخوان از کلسیم شیر است که باید به سمت هیپروژن آب برویم.

